

فهرست مطالب

سیزده	پیشگفتار ویراستار (سید علیرضا میرعلی نقی)
نوزده	پیشگفتار گردآورنده (بهروز مبصری)
۱	مقدمه سخن
۱۱	یادی از وصیت وصال شیرازی
۱۴	آشنایی با سعید هرمزی
۱۷	تفاوت سه‌تار صبا با سه‌تار هرمزی
۱۸	روش تدریس قدما
۲۱	به چه کسی استاد می‌گویند؟
۲۲	آیا کسانی بوده‌اند که چهار اصل اخلاقی را داشته باشند؟
۲۳	درباره نورعلی خان برومند
۲۴	سفارش برومند
۲۵	درباره نابینا شدن نورعلی خان برومند
۲۵	درباره ضبط ردیف میرزا عبدالله، به روایت نورعلی برومند
۲۹	مرگ برومند
۲۹	ورود ضبط صوت به ایران
۳۰	ساخت سه‌تار از چه زمانی در ایران شروع شده است؟
۳۲	درباره ساخت سه‌تار
۳۳	درباره تکامل سه‌تار
۳۴	درباره پرده‌بندی‌های سه‌تار
۳۶	درباره سه‌تارهای قدیمی
۴۰	درباره سه‌تار اوستا جعفر

- ۴۰ دربارهٔ سه‌تار «قلندر»
- ۴۱ دربارهٔ سه‌تار «محک»
- ۴۲ دربارهٔ سه‌تار بلبل و سه‌تار دیگری که کار نریمان است
- ۴۲ دربارهٔ سه‌تار اسپهبد
- ۴۴ کلکسیون سازهای حاج آقا محمد ایرانی
- ۴۷ دربارهٔ سه‌تارهای علی محمد صفایی
- ۴۹ دربارهٔ تار یاقوت
- ۵۰ سنتورهای قدیمی
- ۵۰ سنتور عبدالرسولی
- ۵۰ شیوه‌های متداول سه‌تارنوازی
- ۵۴ سوزاندن صفحهٔ سه‌تار
- ۵۴ تأثیر رنگ زدن و لاک زدن در ساخت سه‌تار
- ۵۵ دربارهٔ تغییر ساختمان سازها (مثلاً اگر سرپنجه را تغییر بدهیم)
- ۵۶ رابطهٔ صدا، با صفحه و کاسه سه‌تار
- ۵۷ دربارهٔ تَرَک‌های سه‌تار
- ۵۷ آیا در قدیم سیم ابریشم روی سازها می‌انداخته‌اند؟
- ۵۸ پیغام عبادی به صبا و خودداری ایشان از سه‌تار نواختن در رادیو
- ۵۹ دربارهٔ سه‌تار خانم پروانه و صفحه‌ای که در آن سه‌تار نواخته است
- ۶۰ دربارهٔ حبیب سماعی
- ۶۱ دربارهٔ فخام‌الدوله بهزادی و ردیف ضبط شده‌اش
- ۶۱ آیا صفحهٔ سه‌تار از درویش خان و میرزا عبدالله ضبط شده است؟
- ۶۱ دربارهٔ جعفر علامیر
- ۶۴ دربارهٔ حسن مشحون
- ۶۵ دربارهٔ استاد مرتضی نی‌داوود
- ۶۶ خاطره‌ای از قمرالملوک وزیری
- ۶۷ یادى از عبدالحسین شهنازی
- ۶۸ دربارهٔ عبدالله دوامی
- ۷۰ دربارهٔ ضیاء الذاکرین
- ۷۲ دربارهٔ عبدالحسین صدر
- ۷۴ دربارهٔ یوسف فروتن
- ۷۶ دربارهٔ استاد بسم‌الله‌خان نوازندهٔ بزرگ هندوستان
- ۷۷ دربارهٔ روح‌الله خالقی
- ۷۷ دربارهٔ دکتر حسین گل‌گلاب

۷۸ درباره روح انگیز
۸۰ درباره ادیب خوانساری
۸۳ درباره آقای هودهای
۸۴ درباره ناصر فرهنگفر
۸۶ درباره رجب‌علی امیری فلاح
۸۸ درباره سید احمد نکوزاد نوازندهٔ تار
۸۹ درباره اصغر بهاری
۹۱ درباره کسانی که در حد استاد می‌نواخته‌اند
۹۱ و از آنها کمتر نامی در جایی برده شده است:
۹۱ مقایسهٔ نوازندگان تار (مانند میرزا حسینقلی) با نوازندگان امروزی
۹۲ رابطهٔ پنجهٔ آوازی و پنجهٔ سازی
۹۳ تفاوت نوازندگی تار با سازهای دیگر
۹۴ دربارهٔ برخی از هنرمندان که نظر مادی ندارند
۹۵ رابطهٔ شعر و موسیقی
۹۶ دربارهٔ وظیفه و تکلیف
۹۶ نام‌گذاری گوشه‌ها در ردیف موسیقی از کجا سرچشمه گرفته است؟
۹۸ آیا دف در موسیقی ایرانی لازم است؟
۹۹ تحول موسیقی در سال‌های گذشته
۱۰۰ دربارهٔ ردیف هرمزی
۱۰۳ دربارهٔ نوآوری در موسیقی
۱۰۵ دربارهٔ تغییرات نحوهٔ آواز در این دوره نسبت به دورهٔ قبل
۱۰۸ دربارهٔ سه‌تار غمزه
۱۰۹ علت نگارش اشعار روی سه‌تار
۱۱۱ آیا در زمینهٔ سه‌تارسازی شاگردی تربیت کرده‌اید؟
۱۱۵ دربارهٔ سه‌تارهایی که به‌دست خودتان ساخته‌اید
۱۳۰ فهرست اسامی و مشخصات سازها
۱۳۵ پیوست‌ها
۱۳۷ ۱. مصاحبهٔ استاد کمالیان با استاد هرمزی
۱۴۲ ۲. وصیت [نامهٔ اخلاقی-هنری] استاد [کمالیان دربارهٔ گفته‌های ضبط‌شده‌شان]
۱۴۵ نمایه

مقدمه سخن

تاریخ تولد من اسفند ماه ۱۲۹۷ شمسی، مطابق با سوم مارس ۱۹۱۸ است. تولد واقعی من نیمه شعبان همان سال است. سه ماه بعد از فوت پدرم به دنیا آمدم. پدرم گویا در اثر آنفولانزا بیمار می شود. در روز عید غدیر، رفته بود به املاک خودش در [منطقه] جنوب شهر ری سر بزند، بادی سرد وزیدن می گیرد و او پس از چند روز مریضی فوت می کند.



مادرم مرا بزرگ کرد و برادر بزرگم سرپرست من شد. چهل ساله بودم که ازدواج کردم و هیچ وقت هم فکر نمی کردم تا آخر عمرم ازدواج کنم و علت تأخیر در ازدواجم همین بوده است. خوشبختانه همسری نصیب شد که فکر می کنم اگر او نبود، من این زندگی کنونی را نداشتم و عقب می افتادم. یک دختر و یک پسر دارم. دخترم ازدواج کرده و دو فرزند پسر دارد و پسر من هم به زودی ازدواج خواهد کرد.

مریم بانو احسانی (کمالیان)، همسر استاد

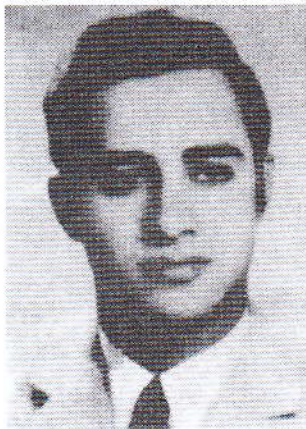
۱. جواد کمالیان (۱۲۸۱-۱۳۵۵)، برادر ارشد استاد مهدی کمالیان، از نخستین تحصیل کردگان ایرانی در اروپا بود. استاد به برادرش علاقه بسیاری داشت و تا آخر عمر از فقدان او با حسرت و تأسف باد می کرد. -و.

یادی از وصیت وصال شیرازی

مرحوم وصال شیرازی وصیت کرده بود که بعد از فوت، جعبه شخصی مرا باز کنید. چیزی نوشته‌ام، بخوانید.

پس از اینکه وصیت‌نامه را خواندند، رفتند جعبه را آوردند. در جعبه را که باز کردند، دیدند یک جعبه کوچکی داخل آن است. آن یکی را که باز کردند، دیدند [در آن] جعبه کوچکی خاتم‌کاری شده اندازه یک قوطی کبریت است. وقتی آن را باز کردند دیدند کاغذی داخل آن، یک طوری [تا] شده است. کاغذ را که باز کردند، دیدند نوشته است: «فرزندان من بدانید، بلبل خیلی بد می‌خواند! من در زمان حیات جرأت گفتنش را نداشتم. حالا بعد از مرگم نوشته‌ام. شما بگویید، هر که هم هر چه خواست بگوید!». حالا آقای مبصری! این مطالب را که شما ضبط می‌کنید و می‌نویسید، اگر چاپ کردید، بعد از مرگ من باشد که هر که هر چه خواست بگوید!

مطلب وصیت‌نامه وصال شیرازی را [یکی از نواده‌های] دختر [ایش] برایم تعریف کرده



فرهاد دلشاد (۱۳۲۴-۱۳۷۱)، سازنده و تعمیرکار و فروشنده معروف اکثر سازهای موسیقی، در خانواده‌ای که این شغل موروثی آنها بود، متولد شد و مغازه او در میدان بهارستان (روبه‌روی مجلس) باتوق بسیاری از هنرمندان بود. زنده‌یاد فرهاد دلشاد در شناخت اکثر سازهای نفیس و قدیمی (فرنگی و ایرانی) تبخّر داشت.

منزلش در شمیران بود و به صورت تفریحی سه‌تار می‌ساخت. خوب هم می‌ساخت و تزیین می‌کرد، و لای ترک‌های سه‌تار، الیاف برنج می‌گذاشت.

دیگر، مفتاح‌السلطان [که دکانش] اول بهارستان روبه‌روی یک دبیرستان بود. کارش تمیز بود، اما چون اطلاعات صوتی موسیقی نداشت، صدای سازش چندان جالب نبود.

دیگر سید جلال بود و در امیریه مغازه‌ای داشت. هم تار می‌ساخت هم سه‌تار. سازش خوب بود، من یک تار از او دارم. از سازنده‌های قبل از دوره ناصرالدین‌شاه، می‌توانم یحیی اول را نام ببرم که سه‌تار می‌ساخته، اما یحیی دوم تار می‌ساخت و سه‌تار نمی‌ساخت.

نام یحیی دوم در اصل آوانس آبکاریان بوده که به نام «یحیی تارساز» معروف است. در شهر مراغه هم اقلیت مسیحی (ازامنه) بودند که سه‌تار می‌ساختند و کارشان معروف بود به کار مراغه. یکی از آنها خیلی زیبا بود و نزد حاج آقا محمد بود که پس از فوت ایشان، آقای سید جلال تهرانی^۱ (خواهرزاده ایشان) سه‌تار کار مراغه را به عنوان یادگار ایشان برداشت. او هم فوت کرده و الان نمی‌دانم سه‌تار کار مراغه که نزد حاج آقا محمد بود و بعد به ایشان رسید، الان کجاست.

کاسه سه‌تار کار مراغه بزرگ بود و کاسه سه‌تار من شبیه



آوانس آبکاریان (یحیی دوم)

۱. سید جلال تهرانی (۱۲۶۷-۱۳۶۶)، رجل سیاسی و نماینده مجلس در چند دوره، تحصیل کرده علوم قدیمه و جدیده و دارای تبخّر در نجوم و شناخت نسخ خطی، و رئیس شورای سلطنت در سال ۱۳۵۷. و.

درباره سه‌تار بلبل و سه‌تار دیگری که کار نریمان است

سه‌تار «بلبل» کار حاج طاهر در دست مرحوم برومند بود و ایشان این اسم را روی سه‌تارش گذاشته بود. این سه‌تار اول دست آقای سلیمان امیرقاسمی بود. چون دسته‌اش کج شده بود و مختصری تعمیر می‌خواست، به من داد که درستش کنم. چون ایشان همین یک ساز را بیشتر نداشت و [تعمیر آن] زمان می‌برد. یک سه‌تار نریمان داشتم، آن را دادم به ایشان و این سه‌تار را گرفتم. پس از مدتی که سه‌تار را درست کردم، آقای برومند آمده بود منزل من، و با این سه‌تار قدری نواخت و گفت: «آقای کمالیان این سه‌تار خیلی خوب می‌خواند، به کسی این سه‌تار را ندهید.» من از قدیم یک جعبه سه‌تار داشتم داخلش مخمل بود. این سه‌تار را داخل آن جعبه گذاشته بودم. شب که شد، برومند خواست برود. جعبه سه‌تار را دادم به راننده ایشان و گفتم: «[چیزی] به ایشان نگوید. [وقتی] رسیدید منزل، بدهید دست ایشان و بگویید کمالیان گفت: این ساز مال شماست.» پس از دو ساعتی برومند تلفن کرد و گفت: «آقای کمالیان گفته بودم این ساز را دست کسی ندهید.»

گفتم: «آقای برومند شما با هر کسی فرق دارید و الان لذت می‌برم از اینکه این ساز دست شماست.»

این سه‌تار پس از فوت برومند از طریق محمدرضا لطفی به قشنگ کامکار* رسیده است و هم‌اکنون این ساز نزد ایشان است.

اما ساز نریمان که داده بودم به آقای امیر قاسمی، پس از فوت ایشان مجدداً به دست من رسید. من هم پس از مدتی این سه‌تار را هدیه کردم به آقای [محمدرضا] شجریان* و الان کار نریمان نزد آقای شجریان است.

درباره سه‌تار اسپهبد

سه‌تاری است که جزو کلکسیون حاج آقا محمد مجرد ایرانی بوده و من چندبار به ایشان گفتم که این سه‌تار را بدهد به من و ایشان به شوخی می‌گفت: «این سه‌تار از این خانه بیرون نمی‌رود.»

یک سه‌تار یحیی هم داشته که با اصرار، آقای برومند برای آقای صفوت به سیصد تومان خرید. این همان سازی است که آقای صفوت دسته‌اش را کوتاه کرد که داخل جعبه جا شود! به‌رحال وقتی حاج آقا محمد فوت کرد، وصیت کرده بود که نورعلی برومند این سه‌تار را به